

در این شماره

- جلسه سران و نقش «رهبر» در مواجهه با امواج خطرناک **ص ۲**
- بازی با کلمات، تلاشی برای استتار سیمای زن ستیز رژیم **ص ۲**
- به تحریم اقتصادی عراق پایان دهید! **ص ۷**
- سران گروه ۸ و تظاهرات اعتراضی زحمتکش **ص ۸**

مهم در این زمینه این است که، جنبش اصلاح طلبی نمی تواند نسبت به اوضاع بسیار بحرانی و وخیم اقتصادی و اجتماعی میهن ما بی اعتنا باشد و تحول در این زمینه

ادامه در صفحه ۴

جنبش اصلاح طلبی نمی تواند نسبت به شکاف طبقاتی، و انحطاط اجتماعی بی اعتنا باشد

بحث بر سر مشکلات و معضلات بی شمار اقتصادی در میهن ما این روزها به بهانه بی در دست نیروهای ارتجاعی برای حمله بردن به جنبش اصلاح طلبی تبدیل شده است. سخنگویان ارتجاع، از شخص «ولی فقیه» تا کارگزاران ریز و درشت استبداد، پس از بیست سال اعمال سیاست های فاجعه بار اقتصادی و اجتماعی، ناگهان به فکر وضع بد مردم افتاده اند، و جبهه دوم خرداد و دولت خاتمی را نصیحت می کنند که به جای توسعه سیاسی به فکر سامان دهی اقتصادی کشور باشند. مردم ما بخوبی از ماهیت این مانورهای عوام فریبانه و رذیلانه «ولی فقیه» و انصارش آگاهند و بنا براین حاضر نیستند با طناب پوسیده آقایان به ته چاه بروند. ولی نکته



آرکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۸۹، دوره هشتم
سال هفدهم، ۱۸ مرداد ماه ۱۳۷۹

محوری ساختن نقش

سرمایه - بازار آزاد، در تضاد با رویش حکومت مردم گرا

نقش دولت و درجه عملکرد آن در رهبری اقتصاد نه فقط در جهان، بلکه در کشورما نیز یکی از مسائل بنیادی بحث های کارشناسان اقتصادی و سیاست گذاران رژیم ولایت فقیه است. در ایران، مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم، در پیروی از ذهنیت و سیاست غالب در سرمایه داری جهانی، کوچک سازی هر چه بیشتر حیطه عمل و نقش دولت در برنامه ریزی متمرکز، و همین طور، روند محو یا بی اثر کردن قوانین ناظر بر عملکرد سوداگران، و محوری ساختن نقش سرمایه خصوصی کلان در چارچوب بازار آزاد (سیاست نولیبرالی اقتصادی) پایه اساسی بحث های برخی از کارشناسان اقتصاد و سیاست های رژیم حاکم را تشکیل می دهد. هواداران نولیبرالیسم اقتصادی در کشور ما، برای اثبات و ترویج نظرات خود، از تاریخ و عملکرد ضد دموکراتیک، فاسد و بوروکراتیک دولت های جمهوری اسلامی به عنوان مثال دلیل برای اثبات نظریه نفی نقش مرکزی حکومت در برنامه ریزی و نظارت بر شئون اصلی اقتصاد، استفاده می کنند. طرفداران این نظر، چنان وانمود می کنند که، انگار در بیست سال گذشته در ایران حق سرمایه خصوصی، به وسیله عملکرد دولت مدارانه به نفع مردم، ضایع شده است. و هر نوع عملکرد و برنامه ریزی متمرکز «بد»، و باید همه چیز را به

ادامه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران نیز سال هاست اعلام کرده است که «ولایت مطلقه» یعنی همین! یعنی استبداد قرون وسطایی یک فرد بر فراز قانون و حقوق مردم ایران

برای توجیه تبانی خود با «بیت ولی فقیه»، گفت: «نامه مقام معظم رهبری خطاب به نمایندگان مجلس در خصوص طرح اصلاح قانون مطبوعات که حکم حکومتی در آن بود قرائت شد و ما بر اساس قانون اساسی عمل کرده ایم. قانون اساسی بر ولایت فقیه تأکید دارد و ولایت مطلقه هم یعنی همین...»

روشن تر از این نمی توان به ماهیت عمیقاً استبدادی و ارتجاعی «ولایت فقیه» به عنوان اهرم اساسی کنترل حاکمیت سیاسی در ایران اعتراف کرد. حزب توده ایران، اکنون بیش از ده سال است که در بحث های گوناگون با نیروهای سیاسی، از جمله شماری از اصلاح طلبان جبهه دوم خرداد، مرتباً تذکر داده است که، رژیم «ولایت فقیه»، یعنی استبداد مطلق، یعنی بی حقوقی مردم و نهاد های قانونی در برابر امیال و خواست های یک فرد و یا یک گروه مرتجع و عمیقاً واپس گرا. ما سه سال پیش به هنگام انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد، و زمانی که آقای سید محمد خاتمی اعلام می کرد که، جامعه مدنی و آزادی در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» امکان پذیر است در رد این نظر

ادامه در صفحه ۶

هم میهنان عزیز!

سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم، روز یکشنبه، ۱۶ مرداد ماه، در یک اقدام بی سابقه، با ارسال نامه بی به مجلس شورای اسلامی، مخالفت خود را با حق نمایندگان منتخب مردم در اصلاح طرح ضد مردمی لایحه مطبوعات اعلام کرد و بدین ترتیب، با تبانی رئیس مجلس شورای اسلامی، و بدون رأی نمایندگان، این لایحه از دستور کار مجلس حذف شد. حرکت اخیر «ولی فقیه» رژیم، بخشی از سلسله اقداماتی است که در هفته های اخیر از سوی ارتجاع حاکم به قصد متوقف کردن روند اصلاحات در میهن ما آغاز شده است. ما در هفته های گذشته شاهد بودیم که خامنه ای نخست با نقاب حمایت از اصلاحات به میدان آمد و آنگاه که نتوانست نظر خود را پیرامون اصلاح مسیر اصلاحات به نیروهای اصلاح طلب تحمیل کند، با جمع کردن سران سه قوه و اعلام اینکه او نمی تواند در قبال تحولات بسیار «خطرناک کشور»، مواضع بی طرفانه بی را اتخاذ کند با یک کودتای «قانونی» مجلس شورای اسلامی را از حق تصویب و اصلاح قوانین مملکتی منع کرد. کروی، رئیس مجلس، در برابر موج اعتراض شدید نمایندگان، و

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بررسی رویدادها ی ایران



جلسه سران و نقش «رهبر» در مواجهه با امواج خطرناک

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی در هفته گذشته خبر نشست سران سه قوه در حضور علی خامنه ای ولی فقیه رژیم را دادند. هر چند هیچ گونه اظهار نظر رسمی در مورد این نشست به اطلاع عموم نرسید، اما از محتوای صحبت های هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه این هفته و سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» می شود به خوبی به این واقعیت رسید که مرتجعان حاکم در صدد هستند اقدامات ضد مردمی خود را بر ضد جنبش، هر چه بیشتر گسترش داده و مانع از روند رو به پیشرفت آن شوند. هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه این هفته با اشاره به همان یاقه های همیشگی و برنامه های کذایی «فقیر زدایی» در طول هشت سال ریاست جمهوری اش و با عنوان کردن این مسأله که مبارزه با فقر جزو حرف های «رهبر» و انقلاب بوده و چیز جدیدی نیست، در هراس از خیزش توده ها علیه رژیم ولایت فقیه، گفت: «نکته دوم اینکه باعث شد این روزها مطرح شود این است که امروز ما با یک موج خطرناکی از تبلیغات و سمپاشی ها مواجه هستیم که هدف شان این است که بگویند انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی کارآیی مدیریت جامعه را ندارد، این روح بسیاری از این حرکت های انحرافی است که شما امروزه در جامعه و بیرون آن می بینید.» رفسنجانی در ادامه اظهار داشت: «ما باید چه کنیم؟ رهبری به عنوان مسئول اصلی نظام که مردم و خبرگان به عهده ایشان گذاشته اند، مگر ایشان می توانند و مگر حق دارد که در مقابل این موج خطرناک آرام باشد؟» رفسنجانی سپس به جلسه سران سه قوه اشاره کرد و گفت: «ما در دو شب قبل که خدمت ایشان هم بودیم و سران قوا هم بودند بحث بود و حرف ایشان هم همین بود که الان به تشخیص من مهم ترین کار الان این است که مسائل کشور را حل کنیم، امنیت همه دستگاه ها، همه وظایف خودشان را انجام می دهند.» رفسنجانی فراهم نمودن چنین شرایطی را «آرام کردن» فضای جامعه که از دید آنها باید توفیق روزنامه ها، دستگیری روزنامه نگاران، ایجاد فضای رعب و وحشت و غیره باشد، دانست و رسیدن به این مهم برای مرتجعان را استفاده از نیروهای سرکوب گر عنوان کرد. وی گفت: «دوم اینکه آرام کردن فضای جامعه است که جامعه شرایطی داشته باشد و مردم تشویق بشوند و سرمایه های خود را به کار بگیرند و با خیال راحت سرمایه گذاری کنند و این هم از وظایف قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی و نظامی است که امنیت را حفظ کنند و آرامش را بوجود بیاورند و دولت هم باید برنامه هایی که رهبری مایل هستند و البته بسیاری از آن در برنامه سوم آمده و اگر لازم است و مجلس آسازگی دارد این مطالب را تقویت کند و حرکت بوجود بیاوریم.» روزنامه جمهوری

اسلامی، یکشنبه ۱۵ مرداد هم در این باره با ذکر این مسأله که حدود یک ماه از سخنان «رهبر» در باب اصلاحات می گذرد و متأسفانه در این فرصت یک ماهه، اقدامات جدی، عملی و موثری در جهت تطبیق شرایط با این رهنمودها صورت نگرفته است، با حالتی هشدار گونه که بوی سرکوب در آن به خوبی مشهود است می نویسد: «در چنین شرایطی، اگر کسانی در صدد ایجاد اختلال در روند حرکت جامعه و ایجاد عدم توازن در کشور باشند، طبیعی است که رهبری در برابر آنها سکوت را جایز ندانسته و وارد عمل خواهد شد. بیانات اخیر رهبری در این زمینه بسیار گویاست و تشکیل اجلاس سران نظام و بررسی مسأله در چنین سطح نشان گر آن است که ایشان در پیگیری رهنمودهای خود، جدی هستند و نخواهند گذاشت دشمن در روند تکاملی نظام مقدس جمهوری اسلامی، فرصتی برای رخنه و نفوذ پیدا کند و برای تأمین اهدافش از این طریق وسوسه شود.» به این ترتیب، دولت باید تابع رهبری باشد، مجلس باید برنامه های اعلام شده رهبر را پیگیری کند. در صورت عدم تحقق خواسته های ولی فقیه رژیم، قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، نیروهای نظامی و انتظامی به دستور «رهبر»، برای بازگرداندن «آرامش» به جامعه وارد عمل خواهند شد.

ولی فقیه و اولین رویارویی با مجلس ششم

روز یکشنبه ۱۶ مرداد ماه، در حالی که قرار بود مجلس شورای اسلامی، طرح اصلاح مطبوعات را مورد بررسی قرار دهد، علی خامنه ای ولی فقیه رژیم اسلامی، با ارسال نامه ای به نمایندگان مجلس، طرح جدید اصلاح مطبوعات را مشروع و به مصلحت نظام و کشور ندانست و همین امر موجب تنش و درگیری لفظی و فیزیکی بین نمایندگان گردید. خامنه ای در نامه به نمایندگان مجلس نوشت: «اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی مطبوعات را دست گیرند یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی امنیت، وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی دانم. قانون کونونی تا حدودی توانسته است مانع از بروز این آفت بزرگ شود و تفسیر آن و امثال آنچه در کمیسیون مجلس پیش بینی شده مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست.» به دنبال این نامه و به گزارش ایران، ۱۶ مرداد ماه، طرح اصلاح موادی از قانون مطبوعات از دستور کار روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی خارج شد. بنا به همین گزارش نمایندگان قبل از شروع به کار مجلس در یک جلسه غیر علنی، در خصوص چگونگی ارائه طرح مذکور گفت و گو کردند، اما بعد از تشکیل جلسه علنی مجلس با دستور مهدی کروبی ترتیب دستور جلسه و مواردی را که قرار بود در جلسه مجلس مطرح شود، قرائت گردید که در آن از طرح اصلاح مطبوعات در آن خبری نبود. به دنبال این اقدام، جلسه مجلس به دنبال درگیری های لفظی و فیزیکی نمایندگان و خارج شدن نمایندگان از صحن مجلس به تشنج کشیده شد. کروبی در پاسخ به اعتراض نمایندگان گفت: «نامه مقام معظم رهبری خطاب به نمایندگان مجلس در خصوص اصلاح قانون مطبوعات، که حکم حکومتی در آن بود قرائت شد و ما بر اساس قانون اساسی عمل کرده ایم. قانون اساسی بر ولایت مطلقه تأکید دارد و ولایت مطلقه همین است. ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی آمده است و ما تابع آن هستیم.» کروبی گفت: «من نظرم این بود که این طرح از دستور جلسه حذف شود و نامه نیز خوانده نشود. اما ظاهراً هیأت رئیسه و نمایندگان بر خوانده شدن آن پافشاری می کنند.» سخنان مهدی کروبی در مجلس از یک منظر واقعیتی را در خود دارد و آن نقش ولایت فقیه به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری در همه امور کشور است. سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا در چارچوب ولایت فقیه، اصلاحات امکان پذیر است؟ محمد رضا خاتمی، قبلاً در مصاحبه که در اطلاعات بین المللی ۱۳ مرداد درج گردیده، گفته بود که نگران تصویب قوانین نیست، زیرا اصلاح طلبان به اندازه کافی اکثریت دارند، منتهی احتمال داد که تصویب اصلاحیه مطبوعات در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت با مشکل مواجه شود. او گفت: «به هر حال ما باید کارمان را بکنیم و به نتایج کار هم فکر نکنیم. فکر می کنیم بزرگ ترین امتیاز را خواهیم داشت اگر مردم مطمئن شوند که کدام بخش از نظام، به نیازهای مردم توجه ندارد.»

بازداشت یوسفی اشکوری

حجت الاسلام یوسفی اشکوری، روز شنبه ۱۵ مرداد ماه، در پی بازگشت به مین، به دستور دادگاه تفتیش عقاید ویژه روحانیت، بازداشت و روانه زندان گردید. یوسفی اشکوری هنگام ورود به ایران، مورد استقبال چهره های سیاسی همچون دکتر پیمان، اعظم طالقانی، همسر عمادالدین باقی، و دوستان و آشنایان خود قرار گرفت. در جریان بازداشت، منزل یوسفی اشکوری نیز به مدت ۴ ساعت مورد بازرسی قرار گرفت. «اتهام» اشکوری، اقدام علیه امنیت کشور، افترا و توهین به

مسئولان نظام از طریق نشر مقالاتی در برخی از روزنامه های داخلی و خارجی، تبلیغ علیه نظام، اهانت و انکار مقدسات مسلم دین و همچنین اعمال خلاف شئون روحانیت عنوان شده است. یوسفی اشکوری دارای بیماری دیابتی است که احتیاج به مراقبت های بهداشتی و غذایی مخصوص دارد. اشکوری طی مصاحبه های مختلف قبل از ورود به ایران تمامی اتهامات وارد شده به خودش را رد کرد.

بازی با کلمات، تلاشی برای استتار سیمای زن ستیز رژیم

معاون امور اجتماعی و توسعه مشارکت های مرکز امور مشارکت زنان در گفت و گویی که با ایسنا جمعه ۱۴ مرداد انجام داده مدعی شد که بیشترین ظلم به زنان در محیط خانه به زنان می شود. وی علت این امر را ناشی از سنت های غلط، باورهای خرافی و تربیت نادرست برخی مردان دانست. بنیانیان، در ادامه سخنان شمشیر کننده خود که مشکلات زنان میهن مان را تا حد اختلاف بین مردان و زنان تنزل می دهد، با قبول ضمنی تفوق مردان بر زنان گفت: «برخی معتقدند این برتری باید در تمام موارد وجود داشته باشد که این عقیده باعث بروز خشونت های خانوادگی می شود.» به عبارت دیگر تفوق مردان بر زنان نه برابری آنها مورد قبول است منتها در بعضی موارد مردان باید امتیازاتی را برای زنان قائل شوند. او تغییر باورها و سنت های نادرست اجتماعی را مستلزم مدت زمانی طولانی دانست، اما نگفت که این باورها و سنت های نادرست که از نظر او ریشه ۵۰۰ ساله هم دارد، چه می باشند. موسوی بجنوردی در گفتگو با همین خیرگزار با اشاره به مسأله کنک زدن زنان گفت: «اساساً کنک زدن در اسلام به هیچ وجه پذیرفته نیست، بلکه زدن فقط مصداق تعزیر می تواند باشد و تعزیر هم به معنای تادیب است. موسوی بجنوردی با اشاره به این آیه قرآنی که می گوید زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمانکند باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشوند از خوابگاه آنها دوری گزینید و اگر باز هم مطیع نشوند آنها را به زدن تنبیه کنید. با ذکر این موضوع که تفسیرهای گوناگونی از این آیه به عمل آمده، گفت: «زدنی که در آیه شریفه آمده به این صورت است که «ضرب» منحصرأ تادیب است و تادیب هم به دست حاکم است و باید به دادگاه شکایت شود تا اقدام لازم به عمل آید.» لازم به توضیح است، مسئولان جمهوری اسلامی در گذشته در پاسخ اعتراض های بین المللی مبنی بر وجود شکنجه های وحشیانه در زندان های جمهوری اسلامی، با استفاده از کلمه تعزیر و تادیب اسلامی در صدد بود اقدامات وحشیانه خود را توجیه کند. رژیم جمهوری اسلامی، سعی دارد با ابقاء زنان وفادار به خود که بعضاً حامل افکار ارتجاعی به مراتب بیشتر از مردان هستند، به استتار سیمای زن ستیز خود در مقابله با فشار روزافزون زنان برای برقراری قوانین برابر حقوق با مردان دست بزند. زنان خواستار پست های فرمایشی نیستند، تغییر قوانین زن ستیز عمده ترین خواست زنان میهن مان را تشکیل می دهد.

ادامه محوری ساختن نقش سرمایه - بازار آزاد ...

بخش خصوصی سپرد. البته در اینکه نظام سرمایه داری در ایران نظامی است مخدوش، و مخصوصاً سرمایه داری ملی تولیدی در کشور ما به صورت عمدی، ندانم کاری ها و سیاست های ضد ملی رژیم (مانند ادامه جنگ با عراق) و همین طور به وسیله سرمایه داری کلان تجاری و همراهان آن در بخش دولتی (یعنی بورژوازی بوروکراتیک) به حد نابودی کشیده شده است، شکی نیست. ولی واقعیت این است که، جمهوری اسلامی هیچ گاه نمی تواند به عنوان مدل یک حکومت مدبر و مردمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به همراه این روش در نفی لزوم نقش حکومت در اقتصاد، مجریان و مروچین حرفه ای سیاست نولیبرالیسم اقتصادی با تحریف و الگو برداری گزینشی و نا مربوط از اقتصاد کشورهای سرمایه داری پیشرفته به شکل اراده گرایانه، رشد و توسعه کشورها را به عهده «بازار آزاد» (بی نظارت) و آزادی هر چه بیشتر سرمایه خصوصی می گذارند، و آن را تنها راه برون رفت، و همین طور، ضامن و پیش شرط اصلاحات سیاسی قلمداد می کنند. گذشته از ضعف عمومی این استدلال، مخصوصاً عدم نگرش علمی در زمینه اقتصاد سیاسی، آنچه که در بسیاری از این دست بحث ها و نوشتارها قابل توجه است، این است که، آنها با وجود سمت گیری اصلاح طلبانه و تمایل به جنبش اصلاح طلبی، هیچ گاه امکان وجود و عملکرد «حکومت دمکراتیک» (یعنی همان مقوله بی که جنبش مردمی در راستای رویش آن مبارزه می کند) را در رهبری اقتصادی و دگرگون سازی آن در نظر نمی گیرند. نگاهی به اعلامیه های رسمی رهبران «جبهه دوم خرداد»، و مقالات تحلیلی روزنامه های مستقل (قبل از سرکوب اخیر آنها) حول اصلاح طلبان نشان می دهد که، بخش عظیم آنها برای «حکومت دمکراتیک» در عرصه اقتصادی- اجتماعی برنامه بی ندارند و دانسته یا ندانسته در پیروی از سیاست نولیبرالیسم اقتصادی، آن را نفی کرده و خواهان محوری شدن «سرمایه خصوصی- بازار آزاد» در اقتصاد کشور ما هستند.

باید تأکید کرد که در اینجا مقصود از برنامه ریزی متمرکز در رهبری سیاست اقتصادی لزوماً به معنای عملکرد خودسرانه بوروکراتیک دولتی و یا مالکیت فراگیر دولتی نیست. شماری از تجربه های تاریخی قرن بیستم نشان می دهد که، چرا و چگونه باید از این شکل دولت مداری (ناکارآمد، غیر دمکراتیک و بی ثبات) دوری کرد، و همین طور تاریخ رشد و توسعه بسیاری از کشورها، دست آورد ها، تأثیر بنیادی و نیروی بالقوه عظیم برنامه ریزی متمرکز را در راستای منافع مردمی و ملی در خود ضبط کرده است. حلقه اصلی در زمینه با سطح رشد و تحولات لازم آینده کشور ما، تسویق و استفاده از توان و فعالیت بخش خصوصی و تعاونی، در چارچوب قوانین و ضوابط، و در جهت جامعه عمل پوشاندن برنامه ها و سیاست اقتصادی زیر رهبری حکومتی مردم گرا است. اما آنچه که در حال حاضر در سیاست اقتصادی رژیم ولایت فقیه دنبال می شود و به وسیله بخشی از اصلاح طلبان نیز توجیه می گردد، کاملاً برعکس است و رشد اقتصادی کشور ما را بر محور انگیزه فردی، ثروتمند تر شدن قشر قبلی از سرمایه داران (خارجی و یا داخلی) قرار می دهد، و نقش دولت را تنها به عنوان یک نیروی سیاسی قوی در تنظیم و ارائه بازار نیروی کار انسانی و کنترل زحمتکشان، کوچک می سازد. به عبارت دیگر، تمامی فعالیت و زندگی توده مردم و منابع کشور وسیله بی است برای سوداگری که در بطن آن، شاید، مردم نیز از آن بهره ور شوند. توده عظیم قشرهای مختلف زحمتکشان، نه فقط در کشورهای جهان سوم، بلکه در کشورهای پیشرفته صنعتی دقیقاً عکس این نتیجه را در زندگی خود لمس کرده اند. نتیجه اعمال سیاست نولیبرالیسم اقتصادی، ثروتمند تر شدن عده بی لیلی در جامعه به قیمت گسترش فقر و افت سطح زندگی قشرهای مختلف زحمتکشان بوده است، و کوچک سازی نقش حکومت، نه فقط به رشد دموکراسی در کشورهای در حال رشد منجر نشده است، بلکه در کشورهای غربی عملاً باعث تنزل، و حتی محو، بعضی از نهادهای دموکراتیک گشته است.

پیروی از این سیاست و نفی کورکورانه نقش مرکزی «حکومت دمکراتیک» در کشور ما، بر پایه یک دسته از تئوریهای آبرو باخته، و مجموعه بی از ترجمه ها و مقالات دست راست ترین صاحب نظران سرمایه داری جهانی (مانند میلتون فرید

من و دیگران) و تمثیل های نا مربوط، بدون در نظر گرفتن سطح رشد پایین اقتصادی، و مخصوصاً، نبود ساختار و نهادهای ابتدایی دموکراسی در کشور ما، نقطه ضعف بزرگ و خطرناکی در تحول جنبش مردمی و پایه ریزی «حکومت مردم گرا» با هدف عدالت اجتماعی، محسوب می شود. مسلماً در طیف نیروهای سیاسی، از جمله بخشی از جبهه دوم خرداد (اصلاح طلبان) از نظر شخصی و گروهی، منافع طبقاتی و قشر اجتماعی خود را در اقتدار عمل هر چه بیشتر سرمایه خصوصی (داخلی و خارجی) و بازار بی نظارت خواهند دید، که امری است طبیعی- اما روی سخن در این جا با نیروها و مبارزان راه دموکراسی و عدالت اجتماعی است که منافع اکثریت مردم کشور ما، یعنی زحمتکشان، را در الویت قرار می دهند.

باید توجه داشت که، نقش و درجه عملکرد حکومت (دموکراتیک و یا غیر دموکراتیک) در امور اقتصادی کشور، بر حسب یک فرمول مطلق (دگم) و یا امری اراده گرایانه و ذهنی تعیین نمی شود. بلکه، در هر مقطع مشخص، متناسب با سطح رشد جامعه (سیاسی-اقتصادی-اجتماعی) و توازن قدرت سیاسی مشتق از بافت طبقاتی، عوامل اصلی و عینی تعیین کننده شکل و ماهیت حکومتند. تأکید ما در اینجا بر رهبری حکومت مردم گرا است، که در مجموع، متشکل از عملکرد شفاف و پاسخگویی سه قوه: قانونگذار و ناظر (مجلس) - مجریه (دولت و دستگاه های آن)، قضاییه است که مستقل از یکدیگر، ولی مکمل یکدیگر، رشد و توسعه جامعه را بفرم توده مردم در ابعاد اقتصادی و سیاسی رهبری می کنند. اگر قبول داشته باشیم که، رابطه بی قانونمند و ارگانیک میان تحولات روبنای سیاسی به سمت دموکراتیزه کردن حکومت و جامعه و تغییرات اساسی زیر بنای اقتصادی به سمت عدالت اجتماعی وجود دارد، این سوال اساسی مطرح می شود که آیا در کشور ما کوچک سازی (یا نفی) نقش اصلی حکومت مردم گرا در دگرگون سازی اقتصاد (به نفع توده مردم) همچون عاملی متضاد جهت و روند مبارزه کنونی جنبش و رویش حکومت دمکراتیک عمل خواهد کرد؟ و یا اینکه به آن یاری خواهد رسانید؟ جواب این سوال را نمی توان از میان صفحات کتاب «سرمایه و آزادی» نوشته میلتون فریدمن و تبلیغات جهانی در آرمانی کردن نظام سرمایه داری یافت. مهم تر اینکه بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص (سیاسی-اقتصادی-اجتماعی) کنونی کشور ما از یک سو، و بدون تجزیه و تحلیل ادعا، و عملکرد و نتیجه این سیاست در دیگر کشورهای مشابه دیگر، از پاسخ علمی به این سوال نباید طفره رفت. برای مثال، از دید اقتصاد سیاسی، در پاسخ گویی واقع بینانه به این سوال، حداقل دو عامل متضاد را در فرایند رویش حکومت مردم گرا و سیاست نولیبرالیسم اقتصادی در کشور ما، می توان تشخیص داد:

الف- سرمایه داری تجاری (انواع فعالیت های دلالتی، واردات، احتکار، نزول خواری، اجاره کشی و غیره)، به همراه همیار خود در بخش دولتی یعنی سرمایه داری بوروکراتیک (بخش فوقانی کارمندان دولتی در خدمت رژیم ولایت فقیه) قسمت اصلی و اعظم فعالیت اقتصادی سرمایه داری کشور را در دست دارند. اگر از یک سو با رهنمود های رهبر و لایحه های مجلس بتوان به کوچک سازی دولت و محو قوانین ناظر جامعه عمل پوشاند، بر پا کردن یک نظام بازار آزاد مدرن و خود گردان در جذب سرمایه تولیدی، کار آفرینی وسیع و واقعی مسلماً امری اراده گرایانه نیست. با در نظر گرفتن ساختار هرم قدرت رژیم ولایت فقیه، سیاست نولیبرالیسم اقتصادی در عمل، یعنی سپردن هر چه بیشتر حیات اقتصادی کشور به دست دلال صفت ترین و انگلی ترین قشر سرمایه داری ایران. سرمایه داری تجاری بنا به ماهیت و منافع اقتصادی (سوداگری به هر طریق) سرمایه کلان خود را در بخش تولید ملی به راه نخواهد انداخت و حتی با سرمایه داری تولیدی بشدت رقابت و مبارزه (سیاسی) خواهد کرد. از همه مهم تر همان طور که تا به حال نشان داده اند هر دوی این طبقات مرتجع (سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک) در حراست از منافع خود بعنوان یک نیروی سیاسی قوی در مقابل جنبش مردمی و اصلاحات دموکراتیک بنیادی خواهند ایستاد و هر نوع «آزاد سازی اقتصاد» و تنزل قوانین را در

ادامه در صفحه ۵

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه جنبش اصلاح طلبی نمی تواند ...

را به آینده بی نا روشن موقوف کند. سخنان رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، در جلسه انجمن شهر، پیرامون ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی، از روی بسیاری از معضلات اخلاقی - اجتماعی و فرهنگی، بویژه در میان نسل جوان پرده برداشت و بازتاب گسترده بی نیز در رسانه های همگانی یافت. رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در جلسه علنی روز ۱۵ تیرماه شورای شهر تهران، طی سخنانی به بازگویی برخی ناهنجاری های اجتماعی پرداخت و وخامت اوضاع را مورد تاکید قرار داد. وی در بخشی از سخنان خود یادآور شد: «روزانه ۵ هزار کیلو مواد مخدر در تهران مصرف می شود، نرخ سن فحشا در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۷۶، هفت سال کاهش داشته و از ۲۷ سالگی به ۲۰ سالگی رسیده است، هم اکنون ۱۲ میلیون نفر، زیر خط فقر بسر می برند و ۲۰ درصد مردم، ۸۰ درصد ثروت را در اختیار دارند، حداقل ۳ میلیون بیکار در کشور وجود دارد، تا پایان دهه هشتاد ۱۵ میلیون مهاجر از روستاها به شهرها و عمده آنان به سوی تهران کوچ خواهند کرد، فرهنگ حاشیه نشینی رسمی رواج و حاشیه های شهرهای تهران محل زباله های انسانی و ورود انواع ویروس های اخلاقی به شهر تهران خواهد بود. در سال ۱۳۷۷، چهار میلیون و دویست هزار پرونده در دادگستری ثبت شده که به واسطه آن شش میلیون نفر درگیر بوده اند، حداقل آمار رسمی نشان از ۲ میلیون نفر معتاد در کشور و حدود یکصد هزار زندانی مواد مخدر دارد. نرخ اعتیاد (سن اعتیاد) ۱۸ سالگی است و اعتیاد به مدارس و درون کلاس های درس راه یافته است، ۹۰ درصد دختران فراری (دخترانی که خانواده خود را ترک می کنند) به فحشا آلوده می شوند و در میان دختران و پسران، همجنس بازی، خشونت، سرقت در سنین کم و آلودگی به ایدز و هیپاتیت در ۳۰ درصد زندانیان مواد مخدر رو به فزونی گذاشته است» (اطلاعات بین المللی، ۱۶ تیرماه ۱۳۷۹).

اوضاعی که حجت الاسلام زم، رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران به توصیف آن پرداخت، نه یکباره پدید آمده است و نه به زعم ایشان محصول حرکت های سیاسی و یا درگیری و اختلافات جناحی در درون و پیرامون حاکمیت است که با آشتی میان جناح ها، بتوان به حل آن مبادرت ورزید. منظره دردناک و آزار دهنده ای را که آقای زم ترسیم کرده است، گویای یک انحطاط عمیق و بسیار خطرناک در عرصه اجتماعی است و باید با صراحت اعلام کرد که، در وهله نخست معلول برنامه های اقتصادی - اجتماعی و نیز برنامه فرهنگی واپس مانده و کهنه رژیم ولایت فقیه است. از نکات مهم سخنان رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، تاکید بر توزیع ناعادلانه ثروت است: «۲۰ درصد جامعه، ۸۰ درصد ثروت را در اختیار دارند.» حال این پرسش پیش می آید که، این ۲۰ درصد شامل چه کسانی است و کدام طبقات را در بر می گیرد؟!!

برای یافتن پاسخی دقیق و علمی، باید به آمار رجوع کرد، و البته آماری در این خصوص موجود است، آماری که مسئولان ریز و درشت جمهوری اسلامی، از جمله مسئولین شهرداری و شورای شهر تهران به هیچ رو مایل به بازگویی آن نیستند. این ۲۰ درصد جامعه، افراد و خانواده هایی اند که پس از انقلاب، با سوء استفاده از امکانات همگانی و دولتی به نان و نوا رسیده، و امتیازات ویژه کسب کرده اند. روزنامه توقیف شده جهان اسلام به مدیریت هادی خامنه ای، چند سال قبل، در مطلبی تحلیلی و افشاگرانه، نوشته بود، «طبقه نوظهوری» در جمهوری اسلامی شکل گرفته است که، برای حفظ امتیازات طبقاتی خود رفتار سیاسی - اجتماعی خاصی دارد. «جهان اسلام»، در مقاله تحلیلی خود از جمله چنین یادآور شده بود: «طبقه جدید ایرانی، در حقیقت از استحاله نیروهای انقلابی شکل گرفته و توجیه طبقاتی خود را از متن اسلام کسب کرده است، و دقیقاً خطر در همین جاست، چرا که، نوعی چالش خطرناک را در جامعه تحریک می کند، گذشته از این به دلیل ماهیت توده گرایانه انقلاب این طبقه در روندی طبیعی امکان ظهور نیافته و به همین دلیل خاستگاه اجتماعی متنوع و گاه متضادی دارد. از یک خانواده حاشیه نشین جنوب شهری گرفته تا اشرافیت سنتی می توان در این طبقه جدید نمونه هایی یافت. پوشش اسلامی دادن به منافع طبقه جدید ظاهراً

دردی را دوا نکرده است و مردم فاصله بین باورهای دینی با منافع طبقه جدید را دریافته اند. این طبقه اساساً امتیازات سیاسی و اقتصادی خود را از درون نظام یافته و مدعی اصلی حفاظت از اسلام و انقلاب است.» روزنامه «جهان اسلام» سپس افزوده بود: «هر برنامه اصلاحی که با منافع طبقه جدید برخورد کند، در شرایط موجود غیر قابل اجرا خواهد شد چرا که، نظام اداری در گسترده ترین حد ممکن خود را وابسته به طبقه جدید احساس می کند.» در همین باره برای آنکه مختصات و ویژگی ها، و به بیان دقیق تر سیمای این طبقه نو پدید و یا اشرافیت نو پا، که به اعتقاد حزب ما، هم ضد مولد و انگلی است و هم غارتگر و سرکوبگر و لاجرم ضد ملی است، به خوبی شناسانده شود، توجه به مطلبی که در روزنامه اطلاعات، در سال ۱۳۷۷، در مورد فساد مالی، به قلم یکی از مدافعان قدیمی «برقراری حکومت اسلامی» نگاشته شده، ضروری است.

در مقاله مذکور، حجتی کرمانی می نویسد: «در چند کلمه کوتاه می خواهم این یادآوری را بکنم، که متأسفانه نه تنها قراین و امارات، بلکه شواهد و دلایلی وجود دارد که، روحیه زهد گرایی و ساده زیستی و بی رغبتی به دنیا و ثروت در برخی «خواص» انقلاب اسلامی، کم کم دارد رنگ می بازد و جای آن را میل به تشریفات در زرق و برق و سر و سامان دادن به شرکت ها و مقاطعه کاری ها و آراستن منزل ها و اطاق کارها و برپا داشتن ویلاها و استراحت گاه ها، در اینجا و آنجا می گیرد و با کمال صراحت و حسرت باید اعتراف کرد که، روحانیت دست اندرکار و صاحب نفوذ نیز نه تنها از این گرایش ناپسند برکنار نیست بلکه در مواردی پیشتر است! همه در پی آنند، توشه ای ببندوزند و آینده خودشان و اولادشان را تامین کنند و این گاه از حدی می گذرد و به موردهایی از ثروت اندوزی های میلیاردری می انجامد» (اطلاعات بین المللی ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷). همان گونه که در مقاله اشاره می شود، روحانیت دست اندرکار و صاحب نفوذ پیشتر این طبقه نو پدید و یا اشرافیت نو پا محسوب می گردد.

ردپای این اشرافیت نو پا را می توان در سلسله حوادث پس از ۲ خرداد به این سو بخوبی تشخیص داد. مگر نه آنست که اثر انگشت اینان در قتل های زنجیره ای، حمله به کوی دانشگاه، تشکیل ستاد بحران برای سرکوب و به انحراف کشیدن جنبش کارگری - سندیکایی، جابه جایی آراء در جریان انتخابات ششمین دوره مجلس، و تشکیل باندهای چماق دار و جوخه های ترور و وحشت آفرینی به وضوح هر چه تمامتر مشاهد می شود. منافع طبقاتی این اشرافیت نو پا است که آنها را وادار می کند تا صراحتاً از بریدن دست و زبان سخن به میان آورند. امروزه نام خانواده های رفسنجانی، عسگرآولادی، ناطق نوری، کروی، لاریجانی، خاموشی، بادامچیان، کرباسچی، مهدوی کنی، رضایی، و فرمانده هان ارشد سپاه پاسداران، به عنوان نمونه های افشاء شده این اشرافیت نو پا و انگلی و ضد ملی بر سر زبان هاست. ممانعت از تحول، و مقاومت و خصومت با هر نوع دگرگونی در جامعه، ویژگی بارز این قشر نو پدید است. هرگونه تحول و دگرگونی به سود مردم و در جهت خواست اکثریت عظیم جامعه، با منافع طبقاتی اینان در تضاد قرار دارد.

درست از همین زاویه است که باید به بررسی ناهنجاری های اجتماعی پرداخت، و هم از این مدخل است که باید برای ارائه راه حل به منظور برون رفت از فروپاشی اجتماعی و انحطاط اخلاقی - فرهنگی موجود حرکت کرد. تشکیل این اشرافیت نو پا مساوی با گسترش فقر و رشد ناهنجاری های اجتماعی است. به موازات رشد اشرافیت نو پا و بهره گیری از ثروت و قدرت، سطح زندگی مردم میهن ما، سطح درآمدهای حقوق بگیران، سقوط کرده و سایه فقر بر جامعه سنگینی کرده است. روزنامه «آریا»، که همچون دیگر نشریات و روزنامه ها توسط مافیای وابسته به این اشرافیت نو پا در قوه قضاییه به تعطیلی کشانده شده است، در گزارشی به تاریخ ۲ اسفند ماه ۱۳۷۷ به نقل از کارشناسان اقتصادی، نوشت: «در سال ۱۳۵۸ در آمد سرانه ایران حدود ۲۲۰۰ دلار بوده است، در حالی که در سال ۱۳۷۵ با توجه به قیمت های رسمی ارز یعنی ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار و تورم، درآمد سرانه به حدود ۵۰۰ دلار یعنی یک چهارم رسیده است.»

روزنامه دیگر توقیف شده، «خرداد»، نیز در مطلبی در خصوص امنیت غذایی نوشته بود: «۳۰ درصد از کل مردم ایران در وضعیت گرسنگی هستند.» بانک مرکزی جمهوری اسلامی در سال کنونی خورشیدی، خط فقر

ادامه جنبش اصلاح طلبی نمی تواند ...

را ۱۸۷ هزار تومان مقرر داشت، که اگر حداقل دستمزد کارگران و کارمندان را با این رقم مقایسه کنیم، باید اعلام کرد که، تمام کارگران و کارمندان زیر خط فقر بسر می برند.

یکی از جالب ترین آمارها، گزارش اقتصادی سال گذشته سازمان برنامه و بودجه است که بخش هایی از آن در روزنامه توقیف شده «اخبار اقتصاد»، به تاریخ ۷ اسفند ماه سال گذشته درج شد. در گزارش مذکور از جمله آمده است: «درآمد افراد ثروتمند در ایران حدود ۱۰ برابر افراد کم درآمد است، در حالی که این نسبت در کشورهای انگلستان و ژاپن به ترتیب ۶/۸ و ۴ برابر است.» در گزارش سازمان برنامه و بودجه افزوده می شود: «در حالیکه ۲۰ درصد کم درآمدترین اقشار جامعه کمتر از ۷ درصد هزینه های خوراکی را به خود اختصاص می دهند، این نسبت در مورد ۲۰ درصد اقشار با درآمد بالا به حدود ۳۹ درصد هزینه ها بالغ می شود. به این ترتیب مصرف مواد خوراکی و دخانیات در ۲۰ درصد اقشار ثروتمند تقریباً ۵/۵ برابر ۲۰ درصد اقشار کم درآمد است.» و در پایان گزارش تاکید می گردد: «از زمان برنامه پنج ساله اول توسعه تا ابتدای سال ۱۳۷۷ رقم مربوط به شاخص خط فقر ۷ برابر شده است.»

به بیان ساده، طبقات ثروتمند، ثروتمندتر شده اند و رقم فقر ۷ برابر گردیده است. به گزارش رسمی وزارت کار و امور اجتماعی، سطح دستمزد کارگران نسبت به سال ۱۳۵۷ خورشیدی، ۵۸ درصد کاهش نشان می دهد. روزنامه «جمهوری اسلامی»، در تاریخ ۱۴ اسفند ۷۸، گزارش داد، قدرت خرید کارمندان دولت نسبت به اول انقلاب، ۵۲ درصد کاهش داشته است. وزارت آموزش و پرورش رسماً اعلام داشته است، ۶۷ درصد فرهنگیان کشور زیر خط فقر بسر می برند. روزنامه «اخبار اقتصاد»، در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال گذشته، به نقل از نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، متذکر شد: «بخش اعظم وام های کلان که از طریق بانک ها به افراد خاص (بخوان سران رژیم و خانواده آنها) بابت تولید واگذار گردیده است، در مشاغل غیر تولیدی و دلالی به کار گرفته شده است. درآمد اکثر خانوارها یک چهارم هزینه متوسط مورد نیاز است.» به گزارش وزارت بهداشت جمهوری اسلامی، ۱۲/۳ درصد کل جمعیت کشور دچار کم خونی هستند.

زنان ایران در کم خونی ناشی از فقر آهن در صدر جدول در جهان اند. مرگ و میر نوزادان در ایران ۴ برابر استانداردهای جهانی است. در جریان همایش سالانه انجمن پزشکان و جراحان کودکان ایران، در سال ۱۳۷۶، آماری به این شرح ارائه شد: «کمبود آهن شایع ترین علت کم خونی در کودکان است. ۷ درصد بیماران بستری و ۲۸ درصد بیماران مطب روانپزشکان را کودکان تشکیل می دهند. بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت ایران از امنیت غذایی محروم هستند.» و به این آمار تکان دهنده باید پدیده شوم و تاسف بار و بسیار تلخ و جگر سوز کودکان خیابانی را افزود. روزنامه «صبح امروز»، پیش از توقیف، آمار کودکان خیابانی را بیش از ۲۰۰۰۰ نفر تخمین زده است. بیش از ۳۲ باند مافیایی در سطح شهر تهران، کودکان خیابانی را کنترل می کنند و آنان را وادار به اعمال خلاف قانون، دزدی، سرقت و جز اینها می کنند. بیشتر کودکان خیابانی، کودکان خانواده های مهاجر روستایی از جنوب و غرب کشور رند. این آمار و ارقام را با آمار مربوط به شکل گیری اشرافیت نو پای جمهوری اسلامی مقایسه کنید و در کنار هم قرار دهید تا علت ناهنجاری های اجتماعی و انحطاط شدید اخلاقی و فرهنگی روشن شود.

راه حل این معضل اجتماعی چگونه است و از کدام نقطه باید آغاز کرد؟ به گمان ما، نقطه شروع برای برون رفت از شرایط کنونی، تدوین و اجرای یک برنامه اقتصادی، اجتماعی، علمی و واقع بینانه است که بر اساس آن می باید ریشه اشرافیت نو پا را خشکاند و عدالت اجتماعی را برقرار ساخت.

تجدید نظر جدی و اصولی در برنامه های اقتصادی - اجتماعی که تاکنون اجرا شده و پیامد آن همین انحطاط اجتماعی است، به عنوان یک ضرورت مطرح است. برای پایان دادن به وضع موجود در درجه نخست، سمت گیری اقتصادی - اجتماعی به سود مردم و در چارچوب آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی باید باشد. این سمت گیری، در تضاد جدی با منافع رژیم ولایت فقیه قرار دارد، و بی شک ضربات جدی بر منافع آن وارد خواهد آورد. حرکت برای از بین بردن معضلات اقتصادی و اجتماعی کنونی، بخش جدایی ناپذیر و مهمی از مبارزه در راه طرد استبداد، ارتجاع و رژیم «ولایت فقیه» است.

ادامه محوری ساختن نقش سرمایه - بازار آزاد ...

راستای منافع طبقاتی خود مورد استفاده قرار خواهد داد. به عبارت دیگر با پا بر جا ماندن طبقه پر قدرت سرمایه داری تجاری در ایران آن چیزی که به عنوان «بازار آزاد» در کشور ما دنبال می شود چیزی نخواهد بود بجز از یک نظام اقتصادی ناموزون باز هم فاسد، بی نظارت و تحت سلطه سرمایه تجاری و عوامل آن در حکومت، که در آن کوچک سازی نقش حکومت (دموکراتیک) و اقتدار سرمایه کلان، یعنی مصونیت سودگران از قوانین، عدم پرداخت مالیات بر سود و بهره کشی هر چه بیشتر از کار ارزان محور و موتور رشد آن خواهد بود. روشن است که در این چنین جامعه بی توسعه و رشد دموکراتیک عقیم و بسیار مخدوش خواهد بود.

ب- بزرگ نمایی و قبول بی چون و چرای نقش سازنده سرمایه فراملی (خارجی) که پیش شرط ورود و باقی ماندن آن در کشورهای جهان سوم مانند ایران غیر از ثبات سیاسی (سرکوب مبارزات مطالباتی های توده ها)، وجود و تداوم بازار نیروی کار ارزان، فارغ از دخالت دولت و قوانین ناظر است. به عبارت دیگر، وجود توده زحمتکشان مطیع، قانع به سطح زندگی پایین و درآمد کم. بدیهی است که کنترل سیاسی این چنین جامعه بی همان طور که تجربه نشان می دهد از یک سو مستلزم وجود حکومت غیر دموکراتیک قوی - بزرگ در عرصه سیاسی (در مهار خواسته های زحمتکشان) است، و از سوی دیگر عدم وجود قوانین ملی ناظر و نقش کوچک و ضعیف دولت در برنامه ریزی اقتصادی و تخصیص عوامل تولید (سرمایه - نیروی کار - زمین و مواد اولیه) را می طلبد. هر نوع مقاومت در برابر این خواسته ها و حرکت برخلاف آن با عکس العمل و یا فرار سرمایه فراملی مواجه خواهد شد. از آنچه که در بالا نشان داده شد، از یک سو می توان قانونمندی بی عمومی در تضاد آشتی ناپذیر میان کار اجتماعی و بهره وری سرمایه خصوصی از آن را مشاهده کرد. از سوی دیگر، در مورد موقعیت مشخص کنونی کشور ما، می توان دید که رویش حکومت مردم گرا و ظهور نهادهای مستقل جامعه آزاد با هدف عدالت اجتماعی در نقطه مقابل عملکرد محوری سرمایه - بازار آزاد (نولیبرالیسم اقتصادی) قرار دارد. زیرا در این روند، برخورد قاطعانه سیاسی به این بخش های پر قدرت سرمایه داری ارتجاعی موجود کشور ما اجتناب ناپذیر است و رابطه اقتصادی با سرمایه داری جهانی، نمی تواند و نباید، با فدا کردن منافع مادی زحمتکشان و عقیم ساختن حرکت تکاملی به سوی حکومت دموکراتیک همراه باشد.

بی شک، همان طور که تجربه بسیاری از کشورهای جهان از جمله ناکامی های کشورهای سوسیالیستی سابق و مخصوصاً موقعیت کنونی ایران به ما می آموزد، پیش شرط و ضامن عملکرد و پاسخگویی «حکومت دموکراتیک» در وجود نهادهای مستقل مانند احزاب سیاسی، مطبوعات آزاد، اتحادیه ها و اصناف مستقل، و غیره است. یعنی همان اهدافی که پیش روی جنبش ضد دیکتاتوری بر ضد ولایت فقیه قرار دارند. از این رو آنچه که در این جا به عنوان عملکرد مرکزی حکومت در اقتصاد عنوان می شود، به همراه ابعاد دموکراتیک آن در کل یک جامعه آزاد مطرح است و تفاوت صدو هشتاد درجه ای دارد با آنچه که جناح های اقتدارگرا، حول ولایت فقیه در قالب تزویرهای مذهبی و دفاع از مستضعفان و پا برهنه ها به عنوان مرکزیت قدرتمند رژیم که اساساً در راستای منافع مادی و سیاسی خودشان مطرح می کنند. نباید فراموش کرد که بسیاری از عملکرد های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه از جمله لایحه عدم شمول قانون کار به کارگاه های کوچک ساخته و پرداخته همین حامیان دروغین مستضعفان و پا برهنه ها است.

نتیجه اینکه، فرایند دگرگونسازی (سیاسی - اقتصادی) وضعیت کنونی کشور ما تنها از مجرای مبارزه در راه طرد رژیم ولایت فقیه و پایه گذاری ساختارهای مستحکم واقعی «حکومت دموکراتیک»، و رهبری سیاست اقتصادی در جهت رشد و توسعه مطابق توان کشور و نیاز توده ها عملی است. بر این اساس، از یک سو در تحولات سیاسی، سازش، مماشات و التزام به رژیم ولایت فقیه و عاملین آن، خطر مهلکی برای جنبش مردمی بحساب می آید و همین طور، عدم درک رابطه حساس بین تحولات روبنای سیاسی و زیر بنای اقتصادی، برای مثال عدم توجه و نفی نقش اساسی حکومت دموکراتیک در سیاست اقتصادی نه فقط در دراز مدت کشور ما را از رشد و توسعه در راستای عدالت اجتماعی محروم می سازد، بلکه خود اثر بسیار منفی بی در تحول مبارزه و جنبش مردمی کنونی خواهد گذاشت.

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ...

نادرست و خوش باورانه اعلام کردیم که، «ولایت فقیه» سد اساسی هرگونه حرکتی به سمت آزادی و تحولات بنیادین در میهن ماست. امروز پس از گذشت سه سال و همه پرسشی‌های گوناگون، از جمله انتخابات شوراهای شهر و روستا و انتخابات اخیر مجلس ششم، که در آن میلیون‌ها ایرانی بدفعات مخالفت آشکار و قاطع خود را با ادامه انحصار حکومت در دست مشت‌ی مرتجع، اعلام کرده‌اند، هنوز اهرم‌های اساسی قدرت سیاسی در دست واپس‌گرایان، مدافع «ولایت مطلقه»، چماق داران و مزدوران مسلح و نیمه مسلحی قرار دارد که آماده‌اند برای حفظ پایه‌های حکومت خود به هر جنایتی دست بزنند و حقوق مردم میهن ما را به خشن‌ترین شکل ممکن پایمال کنند. در حالی که شماری از اصلاح‌طلبان در هفته‌های گذشته، و خصوصاً در برخورد با رئیس قوه قضائیه، با اتکاء به سخنان خمینی، با خوشبآوری، اعلام می‌کردند، «مجلس در رأس امور» است، امروز دیگر روشن است که تمامی نهاد‌های حکومتی، ابزار بی‌اختیاری هستند در دست «ولی فقیه» و تنها عملکرد قابل قبول این نهادها، از نظر مرتجعان، اجرای اوامر «رهبری» است.

هم میهنان آگاه و مبارز، نیروهای مدافع آزادی و اصلاحات!

حرکت از پیش برنامه‌ریزی شده ارتجاع برای متوقف کردن روند کنونی، جنبش مردمی مدافع اصلاحات را با چالشی جدی و سرنوشت‌ساز روبه‌رو کرده است. تمکین در مقابل خواست «ولی فقیه» و انصارش، یعنی تسلیم شدن به خواست متوقف کردن روند اصلاحات، یعنی از دستور خارج کردن برنامه توسعه سیاسی، و به جای آن، پرداختن به مسائلی است که هیچ‌یک از سران رژیم «ولایت فقیه» تمایلی جدی به حل آنها ندارند. تمکین کردن به «ولایت فقیه»، یعنی تکرار فاجعه بار هشت سال تجربه دولت ضد مردمی هاشمی رفسنجانی، که به اسم «سازندگی»، ایران را با فاجعه امروزین، یعنی فقر، محرومیت و عقب ماندگی اقتصادی، رو به رو ساخت و میلیاردها دلار ثروت میهن ما را به جیب کلان سرمایه داران و مرتجعانی همچون عسگر اولادی‌ها، خاموشی‌ها، جنتی‌ها، محمد یزدی‌ها و اقوام و نزدیکان «بیت رهبری» و خانوادهٔ رفسنجانی سرازیر کرد. حرکت خامنه‌ای، اگر چه به صورت زود هنگام، جنبش اصلاح طلبی را در مقابل این سؤال کلیدی قرار می‌دهد که تنها با اتکاء به ریزنی در بالا و با اتکاء به فشار توده‌ها، بدون به صحنه آوردن مستقیم آنها، نمی‌توان به روند تحولات در میهن ما با خوشبینی نگاه کرد. حرکت اخیر خامنه‌ای، و عملکرد بخشی از روحانیون مبارز، و خصوصاً شخص کروی، همچنین بار دیگر این خطر جدی را عیان می‌کند که ناهمگونی طیف جبهه ائتلافی دوم خرداد و وجود نیروهایی که در تحلیل نهایی خواهان حفظ پایه‌های ارتجاع و استبداد در میهن ما هستند، ضعف بزرگی است که جنبش اصلاح طلبی همچنان دچار آن است. بیهوده نیست که روزنامه کیهان، ارگان چاقو کشان و چماق داران «ولی فقیه»، در شمارهٔ روز دوشنبه ۱۷ مرداد خود دربارهٔ عملکرد کروی در جلسه روز یکشنبه نوشت: «رئیس بزرگوار مجلس دیروز خوش درخشید. آن سان که می‌توان او را قهرمان ایستادگی بر خط امام لقب داد.»

حزب تودهٔ ایران، معتقد است که، در اوضاع حساس کنونی، و در شرایطی که حرکت ارتجاع، جبهه دوم خرداد را با اختلافات جدید و جدی روبه‌رو کرده است، جبهه نیروهای مردمی با انسجام صفوف خود و اتکاء بر نیروهای اجتماعی، از جمله کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان، باید در مقابل این توطئه ارتجاع ایستادگی کند. ارتجاع مترصد است تا در صورت عدم عکس العمل و برخورد اعتراضی وسیع توده‌ای با این تهاجم، گام‌های بعدی را در راه متوقف کردن اصلاحات بردارد. خطر سرکوب و متوقف کردن روند اصلاحات در میهن ما خطری جدی و فوری است، و تنها با اتحاد همه نیروهای مدافع آزادی، و مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم رژیم است که می‌توان ادامهٔ روند اصلاحات را در ایران تأمین کرد. حزب تودهٔ ایران، همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه را فرا می‌خواند تا با هوشیاری و درایت، به مقابله با این توطئه رژیم برخیزند.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۱۷ مرداد ۱۳۷۹

ادامهٔ کنفرانس سران گروه ۸ ...

اختصاص دارد، و در اینجا است که دم خروس ادعای دفاع از تمامیت ارضی و حق حاکمیت خلق‌ها به نمایش در می‌آید.

توجه ویژه اجلاس به جنوب آسیا، مطمئناً نمایشگر طرح‌های آتی امپریالیسم برای این منطقه حساس جهان است که سرنوشت میهن ما نیز با آن به طور نزدیکی مرتبط است. در بارهٔ مسایل آسیای جنوبی بیانیه اجلاس گروه ۸ اظهار می‌دارد: «سطح تنش بین هندوستان و پاکستان نگرانی بین‌المللی را برانگیخته است. ما این دو کشور را فرا می‌خوانیم که هر چه زودتر گفت و گوی خود را به منظور دستیابی به یک صلح پایدار در منطقه از سر بگیرند. ما هم هندوستان و هم پاکستان را فرا می‌خوانیم تا به کوشش‌های بین‌المللی به منظور تقویت سیستم جلوگیری از گسترش سلاح‌ها و خلع سلاح اتمی بپیوندند.»

اجلاس که بدلیل در جریان بودن مذاکرات کمپ دیوید بین اسرائیل و فلسطین به میانجی‌گری بیل کلینتون از نظر پوشش خبری تا حدی تحت الشعاع تحولات خاورمیانه قرار داشت، با اطمینان از این که امپریالیسم آمریکا در تحمیل شرایط غیرعادلانه در مورد خواست اسرائیل به طرف فلسطینی موفق خواهد بود، در رابطه با راه حل صلح خاورمیانه لحن خوش بینانه‌ای داشت.

بیانیه اجلاس متذکر می‌شود: «در خاورمیانه، فرصتی واقعی برای دستیابی به یک صلح همه‌جانبه بر پایه قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل و موافقت نامه‌های مادرید و اسلو وجود دارد.» بیانیه با اظهار خوشنودی از تخلیه نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان بر پایه قطعنامه ۴۲۵ و اصرار بر اینکه عقب نشینی نیروهای اسرائیلی بر اساس گزارش دبیر کل سازمان ملل و تصدیق شورای امنیت کامل شده است، دولت لبنان را فرا می‌خواند که با استقرار کنترل «موثر و کامل» در منطقه مرزی، «حفظ صلح و امنیت در جنوب لبنان را تضمین کند». این، جز یک فرمان صادر کردن استعمارگرانه امپریالیستی برای تعیین تکلیف به یک دولت مستقل و در جهت اطمینان خاطر دادن به نیروهای صهیونیستی افراتی در اسرائیل، که روند صلح عملاً در جهت تضمین منافع استراتژیک آنان در منطقه خواهد بود، نیست.

سران «گروه ۸» ماهیت سیاست‌های امپریالیستی خود و قصد به توسعه دخالت‌های خود در یوگوسلاوی را با اظهار اینکه «ما دولت بلگراد را فرا می‌خوانیم که از هر گونه عملی که می‌تواند منجر به تشدید بیشتر خشونت بشود خودداری کند. ما همچنین اپوزیسیون این کشور را فرا می‌خوانیم که به توسعه صلح‌آمیز و دموکراتیک جمهوری فدرال یوگوسلاوی کمک کند. ما قویاً با محدودیت‌های اخیر در مورد مطبوعات آزاد در جمهوری فدرال یوگوسلاوی مخالف هستیم» به نمایش گذاردند.

■ ■ ■

دوگانگی آشکار میان اظهارات رهبران سرمایه داری جهان و نتایج سیاست‌های اتخاذ شده در اجلاس را می‌توان با مطالعه با حوصله بیانیه نهایی درک کرد. در بخش مربوط به خلع سلاح، رهبران کشورهای عمده سرمایه داری با اظهار خوشنودی از «نتایج موفق کنفرانس بررسی عهدنامه عدم گسترش سلاحهای اتمی در سال ۲۰۰۰» مدعی می‌شوند که «در انتظار عملی شدن و اجرای کامل عهدنامه کاهش سلاحهای استراتژیک (استارت ۲) و خاتمه مذاکرات مربوط به استارت ۳ هستند، و به طور همزمان حفظ و تقویت عهدنامه منع موشک‌های بالستیک را به مثابه یک سنگ پایه ثبات استراتژیک و به مثابه یک پایه برای کاهش بیشتر سلاحهای استراتژیک تهاجمی» می‌دانند. و این در حالیست که ایالات متحده، در ماه‌های اخیر، در تناقض با تعهدات بین‌المللی ایالات متحده در معاهده منع سلاح‌های بالیستیکی، در تدارک سیستم موشکی جنگ ستارگان است.

یکی دیگر از مصوبات تبلیغاتی مطرح در اجلاس، ایجاد یک ارگان ویژه برای غلبه بر فاصله افزایش‌یافته کشورهای عقب مانده از یک سو، و کشورهای پیشرفته سرمایه داری از سوی دیگر، در عرصه فن‌آوری الکترونیکی و اطلاعاتی بود. سران «گروه ۸» در حالی که از عمق فقر و تبعیض در کشورهای جهان مطلعند، با اظهارات تبلیغاتی در لزوم اتخاذ سیاست‌هایی برای گستراندن دسترسی یکسان به کامپیوتر و تکنولوژی مدرن در سراسر جهان، خشم طرفداران برخورد جدی با فقر و بدهی را برانگیختند. رهبر جنبش «جو بیلی ۲۰۰۰» با آتش زدن سمبلیک به یک کامپیوتر، اعلام کرد که، هنگامی که مردم آفریقا از گرسنگی در حال مرگند، صحبت از دسترسی برابر به اینترنت، فقط دال بر عدم وجود عزم به عملی موثر در تغییر وضع موجود است. تظاهرات مردم ژاپن بر ضد اجلاس سران گروه ۸، نمایشگر این واقعیت است که زحمتکشان جهان به ماهیت ویرانگر سیاست‌های امپریالیسم جهانی پی برده‌اند و بر ضد آن به مبارزه برخاسته‌اند.

به تحریم اقتصادی عراق پایان دهید!

شده است، عملاً موقعیت رژیم دیکتاتوری صدام حسین را تقویت کرده است. در دهمین سالگرد اشغال کویت، وزیر خارجه فرانسه ادامه تحریم اقتصادی عراق را ریسکی برای از هم پاشیدگی اجتماعی عراق و خطری برای ثبات منطقه دانست.

یونیسف، صندوق ویژه سازمان ملل برای حمایت از کودکان، نیز اعلام کرد که، کودکان قربانیان اصلی تحریم اقتصادی عراق اند. گزارش یونیسف اشاره می کند که، در سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ نیم میلیون کودک عراقی قربانی مستقیم تحریم اقتصادی بوده اند. یونیسف فاش می کند که، میزان مرگ نوزادان در دوران تحریم سه برابر شده است. حزب توده ایران پیگیرانه خواهان پایان تحریم اقتصادی ض برد مردم عراق است.

۱۲ مرداد ماه امسال - ده سال از تاریخ تجاوز نظامی و اشغال کویت توسط عراق، که بهانه پیش درآمد حمله نظامی ایالات متحده و متحدان آن به عراق شد، گذشت. جنگ امپریالیسم بر ضد عراق، در حقیقت فصلی جدید از تجاوزگری امپریالیسم و اعلام «نظم نوین جهانی» از طرف امپریالیسم آمریکا بود. در دهمین سال این ماجراجویی جنایتکارانه صدام حسین و رژیم بعثی عراق، که به دنبال خود ویرانی بی سابقه و وسیع عراق و تحریم اقتصادی بر ضد مردم این کشور را به دنبال داشت، نیروهای ترقی خواه جهان ضمن اعلام همبستگی با مبارزه مردم و نیروهای ترقی خواه عراق با دیکتاتوری حاکم خواستار پایان فوری تحریم عراق گردیدند.

تحریم اقتصادی که تاکنون موجب مرگ میلیون ها کودک عراقی و فشار اقتصادی بر قشرهای زحمتکش

بررسی
رویدادها
ی جهان

شکست مذاکرات صلح خاورمیانه

دور جدید مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطین، که در «کمپ دیوید» آغاز شده بود، پس از سه هفته، بی نتیجه ماند و به شکست انجامید. برغم توافق های قبلی میان یاسر عرفات و باراک، در مورد واگذاری مناطق اشغالی، دو طرف نتوانستند در مورد اورشلیم به توافق برسند. پس از اعلام شکست مذاکرات، نیروهای مخالف صلح، فرصت یافتند تا نیروی بیشتری را برای به شکست کشاندن روند کنونی صلح، بسیج کنند.

در اسرائیل نیز، مخالفت با صلح رو به گسترش است. کنار رفتن چندین سازمان راستگرا از ائتلاف حاکم و استعفا چندین عضو کابینه و از جمله دیوید لوی، وزیر خارجه اسرائیل، به عنوان سیاست فشار به کار گرفته شد. پس از تشکیل دولت جدید اسرائیل، امید باراک، به داشتن حمایت و پشتیبانی مجلس، کاهش یافته است. در ائتلاف جدید، نیروهای مخالف صلح، قدرت بیشتری را بدست گرفته اند. (در ائتلاف جدید حزب ضد دموکراتیک ارتدکس، ناسیونالیست ها و مهاجران روسی حضور دارند که آنها با تشکیل کشوری به نام فلسطین و واگذاری مناطق اشغالی به فلسطین مخالفتند.) فعالیت نیروهای مخالف صلح با فلسطینی ها در هفته های اخیر، و به ویژه در دوره مذاکرات کمپ دیوید، کاملاً محسوس و موثر بود. برخی ثروتمندان صهیونیست ساکن آمریکا با اختصاص میلیون ها دلار تظاهرات بزرگی را در تل آویو سازمان دادند.

«شیخ احمد یاسین»، رهبر جنبش اسلامی «حماس»، ضمن دعوت فلسطینی ها برای بازپس گیری مناطق اشغالی توسط جنگ و زور، گفت: «شکست مذاکرات پیش بینی می شده آنچه که بزور گرفته شده باید بزور نیز پس گرفته شود.» فلسطین خواستار عقب نشینی اسرائیل به مرزهای خود پیش از جنگ سال ۱۹۴۷ است، و اسرائیل مخالف پس دادن تمامی مناطق اشغالی، به ویژه اورشلیم است. در حال حاضر در مناطق اشغالی بیش از ۱۷۰ هزار خانوار یهودی زندگی می کنند، که وضعیت آنها در صورت ایجاد کشور فلسطین و واگذاری مناطق اشغالی مشکل ویژه ای خواهد بود.

پس از شکست مذاکرات، «موشه کاتساو»، از حزب لیکود، به طور غیرمترقبه در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسید (لیکود مخالف صلح با فلسطین است.) برغم آنکه پست ریاست جمهوری در اسرائیل مقامی تشریفاتی است، به نظر ناظران، پیروزی «کاتساو» نشان دهنده افزایش مخالفت با روند صلح است، و این انتخاب دست یابی به صلح را مشکل تر می سازد.

و یا به زندان افتادند. شش سال پس از آن ارتش خلق با سازمان دهی مجدد، در روز سال نو، با به دست گرفتن قدرت، حکومت وابسته و استبدادی «باتیستا» را سرنگون کرد و دیکتاتور را وادار به گریز از کشور کرد. فیدل کاسترو در جریان این راه پیمایی، خطاب به شرکت کنندگان گفت: «انقلاب هرگز چنین وحدت و یگانگی، نیرو و تجربه را به مانند امروز نداشته است.» در صف طولی تظاهرات، که بیش از ۵ کیلومتر بود، مردم با شعار «مرگ بر تحریم» و «زنده باد میهن»، سیاست های ایالات متحده را در رابطه با تحریم ها بر ضد کوبا محکوم کردند. کوبا از فوریه سال ۱۹۶۲ در تحریم کامل اقتصادی بسر می برد، تحریمی که از سوی ایالات متحده و در زمان ریاست جمهوری کندی صورت گرفت و پس از آن نیز، سفر اکثر آمریکایی ها به این کشور غیر قانونی اعلام شد. این تحریم، پس از تحریم کره شمالی، طولانی ترین تحریم یک کشور محسوب می شود. چندی پیش مجلس نمایندگان ایالات متحده به کاهش تحریم ها بر ضد کوبا رای داد، تا بر اساس آن بتوان فروش مواد غذایی، دارو و سفر اتباع آمریکایی به این کشور را تسهیل کرد. کوبا ضمن خوش آمد گویی به این حرکت آن را کافی ندانست و خواستار رفع کامل تحریم ها بر ضد این کشور است.

خصوصی سازی بیشتر در روسیه

بیش از ۲۱ نفر از سرمایه داران بزرگ روسیه در جلسه ای که به دعوت بوتین صورت گرفته بود، در کرملین حضور یافتند تا در مورد خصوصی سازی بیشتر در روسیه و ضمانت های اجرایی توسط دولت به گفتگو بنشینند. این ملاقات پس از باز گشت بوتین از اجلاس سران گروه موسوم به گ-۸ صورت گرفت و انتظار می رود که تسهیلات دولتی برای واگذاری بخش هایی از اقتصاد کشور به بخش خصوصی در نظر گرفته شود. این حرکت در راستای پیش شرط های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای پرداخت وام به روسیه صورت می گیرد.

یاسر عرفات نیز علیرغم افزایش مخالفت ها در اسرائیل برای تشکیل کشوری به نام فلسطین، در سفر خود به عربستان، در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت که در روز ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریور) طبق برنامه تعیین شده، کشور مستقل فلسطین اعلام خواهد شد. او در سفر خود به کشورهای عربی منطقه، در تلاش است تا کمک و پشتیبانی وسیع خلق های عرب در خاورمیانه را بسیج کند. مسائلی که هنوز بین اسرائیل و فلسطین حل نشده است، مشکلات فراوانی را در روند صلح بوجود آورده اند و تحت شرایط موجود، رسیدن به صلح پایدار و توافق در مورد چگونگی تعیین مرز بین فلسطین و اسرائیل، تا حدود زیادی مشکل به نظر می رسد. نرسیدن به توافق بر سر مسائل موجود، می تواند راه گشای نیروهای تندرو، در هر دو طرف، برای ادامه درگیری های نظامی و روند صلح را با خطری جدی مواجه سازد. خطری که دامنه آن می تواند به کشورهای دیگر نیز کشانده شود.

حمایت از مادران کارگر

هشتاد و هشتمین کنفرانس جهانی کار، در خردادماه امسال مقررات جدیدی را در حفاظت از حقوق زنانی که تازه وضع حمل کرده اند و نیز زنان کارگر باردار، اتخاذ کرد. دبیرکل سازمان جهانی کار، خوان سوموایا، مقررات جدید را «آشنی دادن زندگی خانوادگی و زندگی کاری» دانست. مقررات و توصیه بین المللی جدید در مورد حقوق زنان باردار و مادران تازه وضع حمل کرده که میلیون ها کارگر زن را تحت پوشش حمایتی قرار می دهد، با رای قاطع نمایندگان حاضر در کنفرانس تصویب شد. سوموایا گفت: «بخش کلیدی برای تحقق کار خوب می باید بهبود شرایط و فرصت های کاری برای زنان باشد.» مقررات جدید با رای موافق ۳۱۵ نماینده، رای مخالف ۲۲ و رای ممتنع به تصویب رسید. کنوانسیون جدید شامل تمامی زنان کارگر «منجمله زنانی که به کارهای غیرمعمول مشغولند» می شود. استاندارد جدید مقرر می کند که، هر کشور عضو سازمان جهانی کار باید «پس از مشورت با سازمان های نماینده کارگران و کارفرمایان، برای اطمینان از این که کارگران زن باردار و یا تازه زایمان کرده به کارهایی گمارده نشوند که برای سلامتی مادر و یا نوزاد زیان بخش است، اقدامات مناسبی را به عمل آورند.» مقررات با تعیین ۱۴ هفته مرخصی دوران بارداری و ۶ هفته مرخصی رسمی برای مادران بلافاصله پس از تولد نوزاد و نیز پرداخت مقرری ویژه و نیز تضمین حفظ کار مادران در دوران مرخصی و در نظرگیری امکان شیردادن به نوزادان در فواصل مشخص در طول کار، شرایط کاری مادران کارگر در سراسر جهان را ترفیع داد.

راه پیمایی میلیونی در کوبا

در گرامی داشت چهل و هفتمین سالگرد شورش انقلابی کوبا، و در اعتراض به سیاست تحریم اقتصادی ایالات متحده آمریکا بر ضد کوبا، بیش از یک میلیون نفر، و با حضور فیدل کاسترو، در هاوانا، پایتخت این کشور راه پیمایی کردند. ۴۷ سال پیش، در چنین روزی، (۲۶ جولای ۱۹۵۳)، ارتش خلق کوبا به رهبری کاسترو به مقر واحد های ارتش کوبا حمله کرد، تا رژیم مزدور و دست نشانده «باتیستا» را سرنگون سازد. این حمله با شکست مواجه شد و بسیاری از انقلابیون کوبا یا کشته شدند

سران گروه ۸ و تظاهرات اعتراضی زحمتکشان

طلبانه امپریالیسم هیچ گونه همخوانی محتوایی داشته باشد.

بیانیه نهایی اجلاس «گروه ۸»، با تعریف مشخصی از «جهانی شدن»، و اصرار به اینکه آن را تنها راه در مقابل مردم جهان می داند، عملاً به تدوین و تصریح سیاست های برتری طلبانه خود در ارتباط با بازارها و منابع اولیه جهان و چگونگی تضمین تداوم حکومت سرمایه و «بازار آزاد» پرداخت. سران کشورهای سرمایه داری جهان در حالی با بی شرمی تنها راه غلبه بر فقر و عقب ماندگی را در پیش گرفتن «بازار آزاد» عنوان می کنند، که حتی اقتصاددانان بانک جهانی افزایش فقر در نتیجه «جهانی شدن» را تصدیق می کنند. رووی کانبور، اقتصاددان بانک جهانی اخیراً در گزارشی اذعان داشت که سیاست های نولیبرالی عدم ثبات و بحران ایجاد می کند و اینکه شمار افراد زیر خط فقر در جهان از ۹۱۶ میلیون به ۹۸۶ میلیون افزایش داشته است. نیروهای ترقی خواه «جهانی شدن» را در اساس، اتخاذ سیاست های استراتژیکی میدانند که هدف آن اعمال نوعی کنترل استعماری جدید بر بازارهای مالی جهان، و تقویت یک دوره جدید «انباشت سرمایه» است که به فقر و محرومیت بیشتر طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و زحمتکشان و خلقهای کشورهای در حال توسعه و عقب مانده منتهی می شود.

■ ■ ■

مجله اکونومیست، سخنگوی مدافعان سرمایه داری، در سرمقاله خود در ارزیابی دستاوردهای اجلاس گروه ۸، جنبه هایی از بی عملی آنان در رابطه با معضلات زحمتکشان جهان را بازگو می کند. به نوشته اکونومیست: «... قدرتمندترین افراد جهان (رهبران ۷ کشور بزرگ سرمایه داری و روسیه، بهرهمراه پرزیدنت کمیسون اروپا) در تابستان هر سال قول می دهند که در زمینه عمده ترین معضلات مانند فقر، امراض، جنگ، جنایت و آلودگی محیط زیست و غیره چاره جویی و عمل خواهند کرد. آنگاه یک سال بعد با این مواجه اند که چگونه برای طرفداران خود توجیه کنند که هیچ چیزی در عرصه با این مسائل عوض نشده است...».

اشاره مشخص اکونومیست به تصمیم اجلاس کلن - آلمان، در سال قبل، در رابطه لغو بدهی های کشورهای فقیر بود. سران گروه ۸، در میان تبلیغات فراوان و زیر فشار افکار عمومی جهان تصویب کردند که، بدهی های ۴۱ کشور از بدکارترین کشورهای فقیر را لغو کنند. این را باید اضافه کرد که اکثر کشورهای فقیر با قربانی کردن اقتصادهای بومی و به قیمت گرسنگی مردم خود، بخش عمده این بدهی ها را پرداخت کرده اند و بخش عمده این بدهی های کنونی عملاً بهره های کلانی است که آنها مجبور بوده اند بپردازند و نیز جریمه عقب ماندن اقساط بدهی ها که به دلیل مشکلات اقتصادی، گریزی از آن نبوده است.

سرمقاله اکونومیست می افزاید: « هنگامیکه رهبران سران گروه ۸ در سال گذشته در کلن - آلمان ملاقات کردند، هدف خود را لغو بدهی ۲۵ کشور از فقیرترین و بدکارترین کشورهای جهان در طول یکسال اعلام کردند. « ولیکن حقیقت این است که، در طول سال گذشته به غیر از اوگاندا، که تمامی مراحل قانونی و مقدمات لازم برای لغو بدهی را از سر گذرانده است، و ۸ کشور دیگری که برای لغو بدهی انتخاب شده اند، شکایت می کنند که بر رغم تصمیم سال گذشته برای « وسیع تر، عمیق تر و سریع تر» کردن روند لغو بدهی ها، در حقیقت تعداد مواعین بیشتر شده است.

■ ■ ■

بخش های انتهایی بیانیه اجلاس به موضع گیری در مورد مسائل منطقه ای

ادامه در صفحه ۶

اعتراض با شکوه ده ها هزار تن از فعالان جنبش صلح، که خواستار نظمی عادلانه در جهان شدند، اجلاس سران کشورهای اصلی سرمایه داری جهان موسوم به گروه ۸ را، که در روز های ۲۱ الی ۲۳ ژوئیه، در جزیره اوکیناوا ژاپن در جریان بود، تحت الشعاع قرار داد. نزدیک به ۳۰ هزار تظاهر کننده با تشکیل یک حلقه زنجیر انسانی طولانی بدور پایگاه هوایی کادنا پلاکارد های در رابطه با خواست تعطیل پایگاه های نظامی آمریکایی حمل می کردند. تظاهر کنندگان که از همه نقاط ژاپن به جزیره اوکیناوا که محل استقرار بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در آسیا است، مسافرت کرده بودند، در شعار های خود برچیده شدن پایگاه های آمریکایی و « سرباز آمریکایی به کشورت برگرد» را فریاد می زدند. ۲۶۰۰۰ از ۴۸۰۰۰ ارتشی آمریکایی مستقر در ژاپن در اوکیناوا که کمتر از یک درصد مساحت ژاپن را تشکیل می دهد، مستقرند.

دولت ژاپن، در کوشش برای جلوگیری از برهم خوردن اجلاس توسط تظاهر کنندگان، مشابه آنچه که در ماه های اخیر در سیاتل و واشنگتن و بانکوک اتفاق افتاده بود، نیرویی مرکب از ۲۲۰۰۰ نیروی نظامی و پلیس، ۸ ناو جنگی و ده ها هلیکوپتر را بسیج کرده بود. خرج برگزاری این اجلاس سه روزه هشت نفره حدود ۸۰۰ میلیون دلار گزارش شده است.

اجلاس گروه ۷، که در سال های اخیر با پیوستن روسیه در بخشی از آن به گروه ۸ تغییر نام داده است، نقش هماهنگ کننده سیاست های کلان اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی اصلی ترین کشورهای سرمایه داری جهان را ایفا می کند، و عملاً اهمیت فراوانی در نمایش سالیانه قدرت امپریالیسم جهانی برای هدایت تحولات بین المللی دارد. امسال قرار بود که عضویت رسمی روسیه در گروه ۸ تصویب شود، که این خود افشاگر ماهیت اصلی تحولات در روسیه است.

سران کشورهای سرمایه داری در سال های اخیر، سعی داشته اند که پوششی انسانی برای «جهانی شدن» بیافرینند و خود را طرفدار حل بحران بدهی عظیم کشورهای جهان سوم، دستیابی کشورهای در حال توسعه، به فن آوری مدرن و ثبات در جهان معرفی کنند. ولی این حقیقت که یک سال پس از تصویب لغو صد میلیارد دلار از بدهی های فقیرترین کشورهای در اجلاس کلن در آلمان، هیچ قدمی در این راه برداشته نشده، افشاء گر ماهیت واقعی مواضع نمایشی رهبران سرمایه داری جهان است. مبارزان جنبش، لغو بدهی های کشورهای فقیر در ماه های قبل از اجلاس اوکیناوا میلیون ها کارت پستال و پیام الکترونیکی، با خواست اقدامی عاجل و جدی در جهت حل بحران، برای سران گروه ۷ ارسال داشته بودند.

اجلاس اوکیناوا «گروه ۸» را باید کوششی آگاهانه و تدارک یافته برای ساختاری کردن «جهانی شدن» سرمایه داری و غلبه بر مقاومت زحمتکشان جهان در مقابل «نظم نوین جهانی» دانست. شایان توجه است که، در ماه های قبل از اجلاس، در جلسات متعددی، وزرای آموزش و پرورش، خزانه داری و خارجه «گروه ۸» با هم دیگر ملاقات کرده بودند و برای تهیه طرح های عمده مورد بحث در اجلاس سران به تدوین سیاست های همگون و یک پارچه پرداخته بودند. استقبال وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از بیانیه وزرای خارجه «گروه ۸» و تمجید و تحسین مصوبات، آنان نمی تواند نگرانی نیروهای ترقی خواه شورمان را با جهت گیری سیاست خارجی دولت آقای خاتمی بریانگیزد.

بیانیه نهایی اجلاس «گروه ۸» اظهار می دارد که سران کشورهای عمده سرمایه داری جهان و روسیه در بیست و ششمین اجلاس خود در اوکیناوا - در سالی که آغاز هزاره سوم است، به بررسی چالش هایی که سرمایه داری با آن مواجه است و نیز پیشرفت هایی که از اولین اجلاس در رامبویه فرانسه حاصل شده است، و تدارک برای جهت دادن به تحولات قرن بیست و یکم پرداختند.

بیانیه نهایی، که مرکب از سه بخش اصلی برآمده از مضمون اصلی اجلاس بود، در اساس، هدف سران سرمایه داری برای تعیین رؤس عمده تحولات جهان در قرن بیست و یکم بود. بخش نخست بیانیه نهایی در باره سمت گیری اقتصادی، و بخش دوم آن در باره ایجاد شرایط مساعدتری برای گسترش جهانی شدن و رفع برخی ناهنجاریهای رشد سرمایه داری، و بخش نهایی به ثبات در جهان و مسئله خلع سلاح هسته ای و کنترل تسلیحاتی اختصاص داشت.

مصوبات این گردهمایی ها و بیانیه نهایی اجلاس «گروه ۸»، مستقیماً و تنها در عرصه مرتبط با اعمال نظم نوین امپریالیسم در جهان است، بویژه اگر که به مصوبات اجلاس «گروه ۸» در باره خاورمیانه، لبنان و بالکان توجه نکنیم. مطمئناً منافع نیروهای مستقل خواهان دموکراسی و جامعه مدنی نمی تواند با سیاست برتری

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:589
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 August 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک